

«فرهیختگان» به بهانه اظهارات اخیر ۳ کشور اروپایی عضو برجام بررسی کرد

مقاومت حداکثری چگونه بر فشار حداکثری غلبه می‌کند؟



مهدی حقیقت‌خواه
کارشناس مسائل بین‌الملل

چند روز قبل، سه کشور اروپایی عضو برجام یعنی انگلیس، آلمان و فرانسه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که مکانیسم ماشه را در خصوص پرونده هسته‌ای ایران و توافق برجام فعال کرده‌اند: «با توجه به اقدامات ایران، هیچ انتخاب دیگری نداشته‌ایم. برای ثبت نگرانی‌هایمان و اینکه ایران به تعهداتش در برجام پایبند نیست به کمیسیون مشترک رجوع می‌کنیم.» اقدامی که با واکنش صریح مقامات جمهوری اسلامی مواجه شد. محمدجواد ظریف آن را «اشتباهی راهبردی» خواند و سید عباس عراقچی آن را «تصمیمی غلط در زمانی اشتباه» دانست. اروپایی‌ها مدعی هستند که این اقدام را در پاسخ به گام پنجم کاهش تعهدات هسته‌ای ایران انجام داده‌اند. ۱۵ دی ۱۳۹۸، ایران در پاسخ به خروج آمریکا از برجام، اعاده تحریم‌ها و بی‌تفاوتی اروپایی‌ها در قبال انجام تعهدات، آخرین مورد کلیدی از محدودیت‌های عملیاتی خود در برجام، یعنی «محدودیت در تعداد سانتریفیوژها» را کنار گذاشت. «بدین ترتیب برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دیگر با هیچ محدودیتی در حوزه عملیاتی (شامل ظرفیت غنی‌سازی، درصد غنی‌سازی، میزان مواد غنی‌شده، و تحقیق و توسعه) مواجه نیست و من بعد برنامه هسته‌ای ایران صرفاً بر اساس نیازهای فنی خود پیش خواهد رفت.» (بیانیه دولت) پیش از این، ایران در چهار گام، بخش‌های دیگری از تعهدات هسته‌ای در حوزه‌های ذخایر اورانیومی، سقف محدودیت غنی‌سازی، خروج آب سنگین از ایران، برداشتن برخی محدودیت‌ها در حوزه تحقیق و توسعه، راه‌اندازی نسل جدید سانتریفیوژ و تزریق گاز به سانتریفیوژهای فرد را مورد تجدید نظر قرار داده بود. اما واقعیت چیست؟ آیا همان‌طور که اروپایی‌ها عضو برجام می‌گویند ایران مرتکب عدم پایبندی اساسی به برجام شده و اقدام آنها واکنشی در برابر کنش ایران است یا اهداف دیگری از این اقدام در سر دارند؟ سوال دیگر اینکه اساساً مکانیسم ماشه چیست و چه تأثیری بر وضعیت کنونی کشور خواهد گذاشت؟

فشار حداکثری برای نتیجه حداکثری

آمریکا و اروپایی‌ها حالا در شرایطی پساافتنه ۱۳۹۸، به مثابه دوران پساافتنه ۱۳۸۸ که طرح جامع تحریم‌ها علیه ایران را به تصویب رساندند، این بار نیز می‌کوشند با سوءاستفاده از شکاف‌های ایجادشده پس از اغتشاشات آبان‌ماه، بخشی دیگر از سناریوی «فشار حداکثری» را در برابر «راهبرد مقاومت» حداکثری پیاده کنند؛ سناریویی که بخشی از آن متأثر از اغتشاشات آبان و البته حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی، و چپ‌ی حقوق بشری پیدا کرده و بخشی دیگر متأثر از حمله به پایگاه آمریکایی‌ها در عراق، بُعدی موشکی یافته است. در واقع هدف اصلی سه کشور اروپایی به نمایندگی از آمریکا، درگیر کردن ایران در دوراهی «تحقیق و تحریم» است. به عبارت دیگر اروپایی‌ها با تغییر این سازوکار از ماشه به چماق، می‌گویند یا بر اثر ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، تهران دوباره هزینه سیاسی و اقتصادی تحریم‌های سازمان ملل را بپردازد یا بیاید پای میز مذاکره و تن به «توافق ترامپ» بدهد! از نگاه آنها، در حال حاضر ایران در سخت‌ترین شرایط داخلی قرار دارد، چرا که هم بر اثر وضعیت اقتصادی اش، دچار بحران ناآرامی شده و هم متأثر از حادثه سقوط هواپیمایم، بحران مشروعیت را تجربه می‌کند. این اتفاق هرچند از حیث اقتصادی و تأثیرگذاری تحریم‌ها بر وضعیت کشور، تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند، چرا که آمریکا با خروج از برجام و تصویب تحریم‌های چندلایه کاتسا، آیسا، صدور ویزا، تحریم مقامات رسمی کشور نظیر رهبر انقلاب، وزیر خارجه، سپاه و... بالاترین سطح از تحریم‌ها در طول تاریخ را علیه ملت ایران وضع کرده، اما از بُعد روانی در داخل کشور و ایجاد فشار سیاسی در سطح بین‌الملل می‌تواند وجد تبعاتی باشد. آنچه در این مرحله برای اروپایی‌ها مهم است، ترساندن ملت ایران از شیخ تحریم و کشاندن ایران پای میز مذاکره است. آنها پیش از این، مسیر فوق را با سلاح تطمیع (طرح فرانسه برای کمک ۱۵ میلیارد دلاری) طی کرده و موفق نشده بودند. اما چه اتفاقی افتاد که طرف مقابل را به این جمع‌بندی رساند که می‌تواند از این راه، ایران را وادار به کرنش در قبال تصمیماتشان کند؟ اگر کمی به عقب برگردیم، خواهیم دید که از آغاز دوره زمانی عمل به تعهدات، چگونه آمریکا و اروپاییان به دلایل مختلف، از انجام تعهدات خود سرباز زده و ایران تنها اقدام عملی در کاهش تعهدات خود نمی‌کرد، بلکه اصرار داشت به روح و متن برجام پایبند بوده، مسیر اعتمادساز میان طرفین را باز نگه داد. این روند تا خروج آمریکا از برجام و بازگرداندن تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه ایران ادامه داشت. از این زمان به بعد، اعتراضات نمایان ایران که پس از یک دوره طولانی تبدیل به گام‌های نمادین کاهش تعهدات شد، و اصرار بر مذاکره مجدد با اروپاییان بر سر کانال ارتباطی مالی که ابتدا SPV و بعداً اینستکس نامیده شد و هیچ‌کس نفهمید بالاخره عایدی مالی آن برای ایران جقدر بوده است، ماه‌ها مباحثات پیچیده به فرانسه، ژاپن و عمان در خصوص میانجی‌گری میان ایران، آمریکا و... از سوی و بروز اعتراضات و اغتشاشات آبان‌ماه که منجر به کشته و زخمی شدن شماری از مردم و غیر آنها شد، بی‌تفاوتی مقامات ایران به نقض حریم مراکز نظامی مستشاری ایران در منطقه و برخی موارد دیگر، آمریکا را به این جمع‌بندی رساند که می‌توان به ایران ضربه زد و عکس‌العمل مناسب را دریافت نکرد. دقیقاً در همین دوران که مقامات دولتی ایران مشغول مذاکره با اروپایی‌ها و ارسال بیانیه و متن اعتراضی نسبت به رفتار آمریکا بودند، واشنگتن توانست سپاه را در لیست نیروهای تروریست بگنجانند، به منافع ایران در کشورهای هم‌پیمانان حمله کند و حتی برای ترور سردار سپهد قاسم سلیمانی نقشه بکشد.

مقاومت حداکثری در برابر فشار حداکثری

رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی امسال با اشاره به اینکه اقدامات سه کشور اروپایی به تبعیت از آمریکا، به دلیل تحت‌الشعاع قرار دادن یوم‌الله تشییع جنازه شهید سلیمانی بوده، یادآور شد که تنها راه مقابله با این دشمنان، قوی‌تر شدن ایران است. به عبارت دیگر، در این وضعیت، چاره همان راهبرد «مقاومت فعال حداکثری» است. آمریکایی‌ها، نهایت تحریم‌ها را اعمال کرده‌اند و چیزی برای عرضه ندارند. حتی جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز گفت که «هدف از سازوکار حل اختلاف توافق هسته‌ای ایران، اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران نیست.» حالا نوبت آن است که ایران دست از اقدامات نمایشی و نمادین گام‌های کاهش تعهدات برداشته و واقعاً به صورت عملیاتی، دست به کاهش تعهدات برجامی خود بزند. از زمان آغاز عملیات اجرایی شدن برجام، آمریکا و اروپا به هیچ‌یک از تعهدات خود عمل نکرده‌اند. اگر قرار است ایران سقف غنی‌سازی خود را برآورد، باید به‌طور شفاف اعلام کند که جمهوری اسلامی ایران دوباره دست به غنی‌سازی اورانیوم با غنای ۲۰ درصد زده است و همین‌طور در فواصل زمانی کوتاه، هر یک از اقدامات اعلام شده در گام‌های کاهش تعهدات را عملیاتی سازد. هرگونه ارسال پالس ضعف از داخل ایران توسط برخی افراد غریزه زاده‌خواهی آمریکاییان را فعال‌تر خواهد کرد. آمریکا و اروپا باید بدانند که ایران، اراده‌ای برای عقب‌نشینی در این باره ندارد. فعال شدن مکانیسم ماشه نه یک اتفاق غیرمنتظره در پرونده هسته‌ای ایران بلکه یک سرنوشته محتوم برای برجام است. این اتفاق، دیر یا زود می‌افتاد. حالا آنها می‌خواهند روغن ریخته را نذر امامزاده کنند. روز مرگ برجام، همان ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ بود؛ روزی که ترامپ برجام را پاره کرد.

گفت و گو

فواد ایزدی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اقدامات خصمانه کشورهای اروپایی باید برای آنها هزینه داشته باشد

از اثرات و برکات خون سردار سلیمانی شفاف شدن ساختار اروپاست

تحریم کرده بودند. در حال حاضر کشور در دو موضوع یکی فروش نفت و دیگری نقل و انتقالات مالی با مشکل روبه‌رو است و مشکل اصلی تحریمی کشور همان تحریم‌های آمریکاست. این عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه با اشاره به اظهارات مقامات انگلستان مبنی بر طراحی‌های جدید برای تحریم مستقل ایران، تصریح کرد: «اینها جنبه نمادین دارند تا واقعیت. تحریم‌های آمریکایی گسترده هستند. تحریم‌های اروپایی هم چه باشند و چه نباشند تحریم‌هایی آمریکایی آن ضربه‌ای را که اقتصاد ایران متحمل می‌شود، می‌زند. سایر تحریم‌ها حالا هر کشوری دوگانه یا سه‌گانه تحریمی علیه ایران ترتیب دهند در عمل تأثیری ندارند جنبه نمادین پیدا می‌کنند. بانی آن مشکلی که کشور در حوزه فروش نفت و در گرفتن پول دارد، تحریم‌های آمریکا هستند و موارد دیگر هم خیلی ارزش خاصی ندارند. ایزدی در نهایت یادآور شد: «برجام توافق مرده‌ای است و کشور چند سال معطل رسیدن به این توافق و چند سال معطل میوه دادن آن و بعد یک سال بیشتر کشور معطل برجام اروپایی شد. برجام توافقی بود که در نهایت طراحی شده بود که منافی‌ها را برای آمریکا طراحی کنند و در این راستا کارکرد خود را نیز داشته است؛ اراک بتن‌ریزی ایران ترتیب دهند در عمل تأثیری ندارند جنبه نمادین هزار تن اورانیوم غنی‌شده از کشور خارج شده و مواردی که ذیل برجام آمریکایی‌ها می‌خواستند امتیاز بگیرند، گرفتند و دیگر برایشان خاصیتی ندارد. حالا اینکه بخواهیم ابزار پایبندی به برجام کنیم و این توافق برای عده‌ای در داخل کشور حالت ناموسی داشته باشد، خیلی در راستای منافع ملی نیست.»

ایزدی هم اعلام کرده است که اگر چنین اتفاقی بیفتد ایران از برجام خارج و همکن است از NPT هم خارج شود.» ایزدی در ادامه تأکید کرد: «برخوردهای خصمانه کشورهای اروپایی باید برای آنها هزینه داشته باشد. ایران باید این هزینه را تعریف، اعلام و اجرا کند و فقط جنبه تهدید هم نداشته باشد. قاعدتاً اروپایی‌ها باید سرعت پایبند و اگر بخواهند صحیح فکر کنند حتی اگر مکانیسم ماشه را شروع کردند نباید این مکانیسم را تمام کنند و تحریم‌های سازمان ملل را هم برگردانند. چون هزینه گسترده‌ای برایشان خواهد داشت. وی افزود: «بر اساس بند ۳۶ برجام انتهای مکانیسم ماشه این است که کشور به قبل از برجام برمی‌گردد و قطعنامه ۲۲۳۱ دیگر کارکردی نخواهد داشت. در حقیقت قطعنامه‌های قبلی علیه ایران باز می‌گردند. البته این قطعنامه ۲۲۳۱ هم تحریم‌های سازمان ملل را گلچین کرده بود. اگر مکانیسم ماشه به تشریفات خود برسد این قطعنامه دیگر موضوعیت نخواهد داشت و قطعنامه‌های تحریمی قبلی اعمال می‌شوند. البته باید توجه داشت که قطعنامه‌های سازمان ملل نه یک قطره نفت ایران را و نه یک دلار نقل و انتقال مالی را



ایزدی تأکید کرد: «یکی از اثرات و برکات خون سردار سلیمانی شفاف شدن وضعیت اروپاست و اینکه ساختار دوگانه پلیس خوب و بد که چند سال کشور را معطل گذاشته بود، شکسته شد.» وی اظهار داشت: «افرادی که منتظر برجام اروپایی بودند امروز باید به‌وضوح متوجه شده باشند که معطل گذاردن کشور برای اروپا کار درستی نبوده است. همان‌گونه که روز جمعه نیز بار دیگر مقام معظم رهبری یادآور شدند و مکرر تأکید داشتند که اروپا نمی‌توان اعتماد کرد. رهبری پیش از این نیز درخصوص پروژه مکرر تأکید کرد که باید به‌وضوح متوجه شده باشند که اروپایی‌ها مشخص است که آقای مکرر (رئیس‌جمهور فرانسه) همدست ترامپ بوده است.» این کارشناس مسائل آمریکا با اشاره به فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط طرف‌های اروپایی برجام، گفت: «مکانیسم ماشه شروع کردنش لزوماً به معنای پایان دادن به آن نیست. به عبارتی پروسه‌ای است که اروپایی‌ها شروع می‌کنند و لازم نیست حتماً بخواهند پایان دهند و تحریم‌های سازمان ملل را بخواهند برگردانند. چون

فواد ایزدی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با اشاره به عملکرد کشورهای اروپایی عضو برجام، یادآور شد: «سه کشور اروپایی عضو برجام تا چند روز پیش نقش پلیس خوب را بازی می‌کردند و در کنار آمریکا بودند که نقش پلیس بد را ایفا می‌کرد؛ پلیس بد فشار می‌آورد، فحاشی و تهدید می‌کند و در مقابل پلیس خوب به آن سوزه رجوع می‌کند و با توجه به فشارها و مشکلات ایجادشده توسط پلیس بد مدعی می‌شود که اگر شما با من همراه شوید مشکلاتتان رفع می‌شود. در واقع پشت پرده هر دوی اینها با هم کار می‌کنند و این روش فشاری است که روی سوزه عملیات انجام می‌شود. بازی کردن نقش پلیس خوب توسط اروپایی‌ها در حال انجام بود و در همین راستا ایران را به ماندن در برجام تشویق می‌کردند. به عبارتی وظیفه اروپایی‌ها این بود که ایران را در برجام نگه دارند آن هم زمانی که ایران سودی از توافق هسته‌ای نمی‌برد.» این کارشناس مسائل بین‌الملل افزود: «منتها بعد از شهادت سردار سلیمانی طرف مقابل به این نتیجه رسید که سبک قبلی برخورد با ایران (دوگانه پلیس خوب و بد) در نهایت جواب نخواهد داد؛ پروژه‌ای که فرانسوی‌ها و ژاپنی‌ها داشتند جواب نخواهد داد و از این رو اروپایی‌ها نیز با آمریکایی‌ها در این مسیر در موضوع فشار حداکثری علیه ایران همراه شدند. البته شاهد بودیم که آمریکا یک اهرم فشاری روی هم‌پیمانان خود اعمال کرده بود تا آنجا که حتی روزنامه واشنگتن پست نیز در گزارشی نقل کرد دولت آمریکا کشورهای اروپایی را تهدید کرده بود که در صورت عدم همراهی با آمریکا تعرفه ۲۵ درصدی روی خودروهای صادراتی اروپا به آمریکا اعمال خواهد کرد.»